

تاریخ ایران باستان در آئینه مورخان ارمنی

فاطمه رئیسی گهرویی*

کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان - دانشگاه شهید بهشتی (تهران)

چکیده

ارمنستان در جهان باستان به ویژه در دوره ساسانی جولانگاه ابراز قدرت دو ابر قدرت جهان ایران و روم بوده که در اغلب دوره‌ها وابستگی آن به حکومت ایران بیشتر بوده است. در واقع رویدادهای تاریخ سیاسی و فرهنگی ارمنستان در دوره باستان همواره متأثر از ایران بوده است. آثار و منابع تاریخی ارمنی در بازشناسی تاریخ ایران باستان که همواره از کمبود منابع مکتوب دست اول ایرانی و پراکندگی منابع به زبان‌های دیگر رنج می‌برد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و غنای آن آثار می‌تواند فقر منابع تاریخ ایران را در این زمینه تا اندازه‌ای جبران می‌نماید. با ابداع الفبای ارمنی در قرن پنجم میلادی سنت تاریخنگاری ارمنی وارد دوره طلایی خود گردید. غنا و فراوانی تاریخ ارمنیان از جمله آثار آگاتانژ، لازار فارابی، موسی خورنی، سبتوس در این قرن و قرن‌های بعد روشنی بخش گوشه‌های تاریک تاریخ ساسانی شده است. نظر به اهمیت منابع ارمنی در تاریخ ساسانی، این مقاله بر آن است تا با بررسی آثار مورخان ارمنی از جمله آگاتانژ، ازنیک کلبی، پاستوس بوزند، یغیشه، موسی خورنی، لازار فارابی، سبتوس به دیدگاه‌های تاریخ‌نگاری این مورخان درباره‌ی تاریخ ایران در دوره ساسانی پی‌ببرد.

کلید واژه‌ها: ساسانیان، مورخان ارمنی، ارمنستان، ایران، روم.

مقدمه

در دوره حکومت سلسله اشکانی در ایران در کشور ارمنستان نیز شاخه‌ای از اشکانیان حکومت می‌کردند به طوری که منافع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دو کشور باهم همسویی بسیاری داشت. با سقوط حکومت اشکانیان و قدرت گرفتن ساسانیان در ایران، فصلی جدید در روابط ایران با ارمنستان آغاز شد. برخلاف دوره اشکانیان، که ارمنستان متحد ایران در برابر روم به شمار می‌رفت، ساسانیان سیاستی پرتنش را نسبت به ارمنستان در پیش گرفتند که منجر به جنگ‌هایی طولانی شد.

در دوره اشکانی که ارمنستان ایالتی از ایالات مهم ایران به شمار می‌آمد، جولانگاه رقابت و قدرت طلبی دو ابر قدرت جهان باستان یعنی ایران و روم بود و ارمنستان علاوه بر ایران با شماری از سرزمین‌های یونانی نشین نیز در تماس بود بطوری که دروازه‌های آن سرزمین بر روی تاثیرات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ایران و غرب گشوده شده بود و ظهور آیین مسیحیت در ارمنستان و رسمی شدن آن را می‌توان بهترین نمونه برای نفوذ تاثیرات فرهنگی روم در ارمنستان به شمار آورد.

دو ابر قدرت جهان باستان به واسطه حمایت از دو دین بزرگ زرتشتی و مسیحی در آن روزگار حامیانی را برای خود داشتند. تا پیش از عصر ساسانی و در دوره مسامحه دینی اشکانیان آیین زرتشتی در ارمنستان دارای اعتبار بسیاری بود اما با سقوط سلسله اشکانی و روی کار آمدن ساسانیان و اتخاذ سیاست اتحاد دین و دولت و سخت‌گیری دینی و تفتیش عقاید در دوره کرتیر و همچنین رسمین یافتن دین مسیحیت در ارمنستان دیدگاه ارمنیان نسبت به ایرانیان تغییر یافت و این دیدگاهها به منابع تاریخی نیز راه یافت بطوری که بعضاً این بغض و کینه ورزی در برخی منابع ارمنی به وضوح مشهود است. با رسمیت یافتن و قدرت گیری دین‌های بزرگ آن عصر مانند دین مسیحیت در ارمنستان و روم و دین زرتشتی در ایران تاریخ نویسی در میان این ملل به سوی تاریخ نگاری دینی و مقدس گرایش یافت.

تاریخننگاری مدون ارمنی با رویکرد جدید دینی در آغاز سده پنجم میلادی بدنبال پیدایش الفبای ارمنی به دست مسروپ ماشتوتس قدیس پایه گذاری شد. زیر سایه ابداع الفبا و خط ارمنی، رشد و ترقی کتابت و زبان نوشتاری متفکران و مورخان پرآوازه‌ای پا به عرصه ادبیات

ارمنستان نهادند و با خلاقیت‌های فرهنگی خود سده پنجم تاریخ ملت ارمنی را به سده طلایی مشهور کردند. (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۴۳۴) نخستین دسته از کتاب‌ها به خط ارمنی دارای گرایشات دینی بودند. ترجمه کتاب مقدس نخستین کتاب به خط ارمنی بود؛ کتاب دوم، زندگی نامه مسروب ماشتوتس که در آن نگارنده به بررسی زندگانی ماشتوتس و چگونگی پیدایش الفبای ارمنی و جریانهای تاریخی در ارمنستان می‌پردازد؛ کتاب سوم، تاریخ ارمنیان اثر آگاتانژ که نخستین کتاب با این عنوان در ادب ارمنی به شمار می‌رود؛ و سرانجام کتاب چهارم، تاریخ ارمنیان اثر پاستوس بوزند است.

از آنجا که ارمنیان از دیرباز در مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی با ایرانیان تشریک مساعی و همفکری داشته‌اند، شناخت هرچه بیشتر تاریخ کهن این دو ملت نیازمند بهره‌گیری از منابع یکدیگر است. مورخان ارمنی در کنار ضبط رخدادهای تاریخی سرزمینشان به تاریخ، فلسفه، عقاید و اعتقادات مذهبی و مسائل سیاسی، اجتماعی، ملی و فرهنگی ایران نیز اشاراتی داشته‌اند. از این رو برای زدودن ابهامات و روشن کردن هر چه بیشتر تاریکی‌های تاریخ ایران به ویژه در دوه ساسانی باید صفحات پرفراز و نشیب تاریخ ارمنیان را ورق زد و از منابع تاریخی و فرهنگی آنان برای به دست آوردن اطلاعاتی از حوادث و رویدادهای آن دوره بهره برد. در ادامه با بررسی آثار مورخان ارمنی از جمله آگاتانژ، از نیک کلبی، پاستوس بوزند، یغیشه، لازار فارابی، موسی خورنی، سبئوس به دیدگاه‌های تاریخ نگاری این مورخان درباره ی تاریخ ایران باستان به ویژه نسبت به دوره ساسانی پرداخته خواهد شد.

آگاتانژ^۱

آگاتانگوس یا آگاتانژ تاریخ نگار ارمنی قرن پنجم میلادی و مولف کتاب «تاریخ ارمنیان» است. واژه «آگاتانگوس» از دو جزء یونانی «آگاتوس» به معنی نیک، خوب و خیر و «آنگلوس» به معنی فرشته و پیک ترکیب شده است. (نوری زاده، ۱۳۷۶: ۴۸۰) در مورد ملیت، دوره‌ای که وی می‌زیسته و حتی ارمنی‌زبان بودن وی اختلاف نظر گسترده‌ای میان پژوهشگران وجود دارد.

^۱. Agatangelos.

قدیمی‌ترین تاریخ‌نگاری که به گونه‌ای به وی اشاره داشته است «پاوستوس بوزند» بوده است که تنها به وجود نویسنده‌ای پیش از خود که شرح حال گریگور قدیس و تیرداد شاه را نوشته، اشاره دارد. این کتاب به نام «تاریخ گریگوریس» یا «تاریخ آگاتانژ» نیز شهرت دارد، لازار فارپی درباره آگاتانژ و کتابش می‌نویسد: «نخستین کتاب تاریخ ارمنیان، که به گونه‌ای دقیق به دست مرد با سعادت‌ی چون آگاتانژ نوشته شد، از کشته شدن اردوان به دست اردشیر، پسر ساسان، فرمانروای یکخدای استخری، آغاز می‌شود و تا روی گرداندن ارمنیان از نادانی و بت‌پرستی و گرویدن به حقیقت و خدا پرستی، که به دست گریگوریس شهادت‌جو انجام پذیرفت ادامه می‌یابد، و به همین سبب آن را کتاب گریگوریس می‌نامند.» دیگر تاریخ‌نگاران ارمنی همچون «موسی خورنی» و «سبئوس» نیز در کتب خود به آگاتانژ اشاره دارند.

تاریخ ارمنیان را می‌توان نخستین کتاب در زمینه تاریخ ارمنستان که به زبان ارمنی نوشته شده به شمار آورد که وقایع بین سال‌های ۲۷۹-۳۳۰ م. که مقارن با حکومت آرشاکونیان (اشکانیان ارمنستان) و پیدایش ساسانیان در ایران است را به رشته تحریر در آورده است. با مطالعه محتوای آن می‌توان هدف عمده نویسنده را نگارش تاریخ بنیان‌گذاری کلیسای مسیحی ارمنی در ارمنستان و در واقع شرح فرآیند مسیحی شدن ارمنیان و تیرداد سوم به وسیله قدیس گریگور دانست.

آگاتانژ در مقدمه کتاب خود را شاهد عینی تمام رویدادهایی را که در کتاب شرح داده معرفی می‌کند: «این نوشته‌ها را نه از روایات کهن بر گرفتیم که خود رخسار ایشان را [به گوش شنیدیم و مطابق خواست انجیل، خدمتگزار آنان گشتیم.» (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۱۵۹) و تالیف کتاب را به درخواست صریح تیرداد سوم شاه ارمنستان نسبت داده است که او را مامور تالیف تاریخ عصر حکومت او پدرش خسرو کرده بود: «بنا به فرمان تند شهریاران، بی اختیار به حرکت در آمدیم و دریانورد دریای ماتیان‌های (کتاب) تاریخ گشتیم.» (آگاتانگوس، ۱۳۸۰:

(۲۲)

تا پیش از عصر ساسانی و در دوره مسامحه دینی اشکانیان آیین زرتشتی در ارمنستان دارای اعتبار بسیاری بود و تاریخ‌نگاری در این سرزمین دارای گرایش ملی‌گرایانه بود و افتخارات آن همواره با تاریخ ایران در پیوند بود. اما با سقوط سلسله اشکانی در ایران و روی کار آمدن

ساسانیان و اتخاذ سیاست اتحاد دین و دولت و سخت گیری دینی و تفتیش عقاید در دوره کرتیر و همچنین رسمین یافتن دین مسیحیت در ارمنستان و به فاصله اندکی در روم دیدگاه ارمنیان نسبت به ایرانیان تغییر یافت و ارمنیان این رویداد سرنوشت ساز و حیاتی را به منزله بریدن از گذشته کافران خود می پنداشتند و بدین ترتیب ملت ارمنستان با پذیرش مسیحیت هویت نوینی برای خود کسب کرد. (دریایی، ۱۳۸۲: ۳۲) ایجاد اتحاد دینی بین ارمنستان و روم که دشمن دیرینه ایران به شمار می رفت قطعاً به سود ایران نبود. به طوری که این دیدگاهها به منابع تاریخی نیز راه یافت و بعضاً در برخی منابع ارمنی این بغض و کینه ورزی به وضوح مشهود است.

رسمیت یافتن و رویارویی دین های بزرگ آن عصر مانند دین مسیحیت در ارمنستان و روم و دین زرتشتی در ایران باعث شد تا تاریخ نویسی در میان این ملل به سوی تاریخ نگاری دینی و مقدس گرایش یابد. نقطه آغاز تاریخ های کلیسایی را می توان کتاب «تاریخ ارمنیان» اثر آگاتانژ که نخستین اثر در زمینه تاریخ ارمنستان به شمار می رود، در نظر گرفت. این کتاب در اصل شرحی بر چگونگی گرویدن ارمنیان به دین مسیحیت و مسیحی شدن دولت ارمنستان در تقابل با زرتشتیگری ساسانیان می باشد. رقابت بر سر تصاحب ارمنستان همواره بین دولتهای ایران و روم وجود داشت. از این رو هر گونه تغییر در ساختار حکومتی این کشور مسلماً برای ایران اهمیت ویژه ای داشته است.

گذشته از اینکه این کتاب اطلاعاتی هرچند ناچیز از اوایل دولت ساسانی را در اختیار می گذارد ولی نباید این نکته را از نظر دور داشت که همانطور که در خود این کتاب نیز به آن اشاره شده است پادشاهان ارمنستان از دودمان اشکانی بوده اند از این رو حکومتی که در ارمنستان جریان داشت را می توان به گونه ای دنباله سلسله اشکانی که بدست ساسانیان در ایران منقرض گشت دانست، از این رو مورخان ارمنی ساسانیان را دشمن و غاصبان تاج و تخت اشکانی می انگاشتند و منابع تاریخی خود را با این رویکرد می نوشتند.

این کتاب در رابطه با نبردهای اشکانیان و ساسانیان به بزرگ نمایی قوای ارمنی پرداخته است. در فصل اول مقاومت چندین ساله خسرو در برابر اردشیر ساسانی به صورت پیروزی های چشمگیری نمایان شده است و در کشمکش هایی که بین پادشاهان اشکانی ارمنستان و

پادشاهان ساسانی صورت گرفته به جز اردشیر به نام دیگری از پادشاهان ساسانی اشاره نکرده و به گونه‌ای یک طرفه به تمامی این کشمکش‌ها نگریسته و وانمود کرده است که سرزمین کوچک ارمنستان همواره بر شاهنشاهی ساسانی غالب بوده و پارسیان به جز دستیاری به حيله و نیرنگ از راه دیگر توانایی پیروزی در میدان نبرد را نداشتند. (آگاتانگوس، ۱۳۸۰: ۳۰)

همچنین آگاتانژ لشکر کشی رومیان در زمان سزار دیوکلسین به فرماندهی گالریوس را که شاه ارمنستان تیرداد نیز او را همراهی می‌کرد و به عنوان متحد رومیان به شمار می‌آمد را بدون اشاره به قدرت امپراتور و سپاه روم این لشکرکشی‌ها را به تیرداد نسبت می‌دهد. با این حال محتوای کتاب از لحاظ تاریخی برای اواخر دوره اشکانی و آغاز ساسانی دارای اهمیت می‌باشد.

از دید فرهنگ و مذهب ایران باستان، این کتاب اشاراتی دارد که می‌تواند مفید باشد، هرچند به نوع مذهب ارمنیان قبل از رو آوردن آنان به دین مسیحیت اشاره‌ای نشده است ولی در یکی از قسمت‌های کتاب اشاره به چگونگی ویرانی معابد و پرستشگاه‌های کهن در ارمنستان شده که قبلاً برای ایزدان ایرانی ساخته شده‌اند. به طور مثال در جایی به وجود معابد مهر و آناهیتا (ایزدبانوی آب در ایران باستان) اشاره کرده است. (Thomson, 1984: 607) این کتاب منبعی ارزشمند برای آگاهی از اساطیر و ایزدان و باورهای ارمنیان است که پیش از شکل‌گیری مسیحیت در ارمنستان رواج داشته است. همچنین با مقایسه و دقت در نام ایزدان و اساطیر می‌توان دریافت که این نامها همه دارای ریشه ایرانی هستند و تنها نام محلی آنها ذکر شده مانند آرامازد (= اورمزد) و واهانگ (= بهرام، ورثرغنه) و... وجود این اسامی ایرانی نشانه‌ای از نفوذ فرهنگ و زبان ایرانی در فرهنگ و زبان ارمنی است.

ازنیک کلبی

ازنیک کلبی^۱ از مورخان همعصر مسروپ ماشوتس مبدع الفبای ارمنی است، اثر تاریخی او به ارمنی به نام یقذر آقاندوتس^۲ یا تکذیب فرق دینی نام دارد و در فاصله ۴۴۵-۴۴۸ م. نوشته شده است. (جعفری دهقی، ۱۳۸۲: ۲۵۸)

^۱.. Yeznik Koghbatsi

^۲.. Yeghz Aghandots = Refutation of the Sects

این کتاب در چهار بخش تدوین شده که شامل چیستی شیطان، ردیه بردین زرتشت و زروانیسم، نقد و رد آثار فلاسفه یونان و مرقیون است. فصل سوم به فلسفه دین زرتشت و ادیان دوره ساسانیان می‌پردازد از این رو می‌تواند تا اندازه‌ای ما را با فرهنگ ساسانی نزدیک گرداند. آیین زروانیسم از جمله آیین‌های است که به علت منابع ناچیز چندان شناخته شده نیست، گزارش از نیک دربار آیین زروان کهن‌ترین و بهترین منبع مکتوب موجود و تعیین‌کننده است. اطلاعات جالبی از جمله داستان آفرینش در آیین زروانی و رد ثنویت در این آیین، اشاره به نماد شناسی طاووس و ارتباط آن با اهریمن و شر در این آیین است. (کعبی، ۱۳۸۰: ۴۸۰) اما باید این نکته را همواره در نظر داشت که این کتاب به منظور تأیید آیین مسیحیت نوشته شده و یکجانبه به رد عقاید دیگران می‌پردازد با این وجود برای مطالعه ادیان ایران باستان منبعی درخور توجه است.

پاوستوس بوزند

پاوستوس بوزند^۱ که برخی به غلط او را بیزانسی دانسته‌اند از مورخان طراز اول ارمنی در سده پنجم میلادی است. لقب او، بوزند، به معنای مفسر و تحلیلگر است. کتاب وی با عنوان تاریخ ارمنیان به شش بخش که نویسنده دبیری می‌خواند تقسیم شده است. محتوای تاریخ ارمنیان بوزند رویدادهای دوران شش پادشاه ارمنستان؛ یعنی خسرو دوم، تیران، آرشاک دوم، پاپ، ورازدات و آرشاک سوم است. تقریباً بیشتر رویدادهای این کتاب معاصر با روزگار شاهنشاهی شاپور دوم ساسانی (۳۷۹-۳۰۹ م.) معروف به شاپور ذوالاکتاف است.

مهمترین ویژگی کتاب بوزند تأکید زیاد نویسنده بر واقعیت است. نویسنده در جهان بینی خود دچار افراط و تفریط نیست، اگرچه او یک مومن مسیحی است و به معجزات و کرامات قدیسان اعتقاد دارد، اما در بیان تاریخ واقعگراست این نکته باعث شده تا محققان و مورخان امروز او را یکی از قابل اعتمادترین مورخان ارمنی به شمار آورند و کتابش دارای ارزش جهانی شود.

^۱...Pavstos Bouzand

نویسنده به ترتیب زمانی وقایع توجه داشته و رویدادها را به صورت دسته بندی زمانی ثبت کرده است او درباره‌ای این رویکرد خویش می نویسد: « اما ما نیز در تاریخ خویش، از برای نگاه داشت رسم نیکو، کمابیش نگاشتیم و آن را ناگفته نگذاشتیم. زیرا در نوشته‌ی ما چیزی است که در آغاز آمده و چیزی است که در پایان. و آنچه میان این دو است اینک به دست دیگران نوشته شده است اما برای آنکه در تاریخ ما گسستگی دیده نشود، اندک اشاره‌ای به آن داشتیم، چونان خستی که در دیوار کار گذاشته می‌شود تا ساختمان به پایان رسد. پس از این کار، هرچه پس از آن روی داده است، در اینجا به ترتیب بازخواهیم گفت.» (بوزند، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۶) همچنین نکته ارزشمند دیگر درباره‌ی این کتاب نزدیکی زمان زندگی نویسنده با زمان رویدادهایی است که به ثبت آن پرداخته است.

از بخش‌های مهم و اساسی کتاب درگیری ایران و روم بر سر ارمنستان است. هجوم ایرانیان به ارمنستان پیشرفت مسیحیت را در مشرق تهدید می کرد. بوزند در اثر خود با نام تاریخ ارمنیان حوادث مربوط به ۳۳۰-۳۸۷م، به سلطنت رسیدن خسرو، شاه ارمنستان و تقسیم ارمنستان بین ایران و بیزانس را نگاشته است. اثر بوزند برای مطالعه وقایع مربوط به این مقطع تاریخی منبعی موثق تلقی می‌شود که به زبانهای فرانسه (۱۸۶۷م)، آلمانی (۱۸۷۹م) و روسی (۱۹۵۳م) ترجمه شده است. (آیوازیان، ۱۳۷۱: ۲۷)

بخش‌های پایانی کتاب نویسنده به دو قسمت شدن ارمنستان اشاره دارد که میان ایران و روم تقسیم گردید. بوزند می نویسد پس از صلح میان ایران و روم شاه پارسی، ارشاک، پسر تیران شاه، را بر تخت ارمنستان نشاند و به دنبال این صلح پایدار «جمله پنهان شدگان، گریختگان و ناپدیدشدگان خاک ارمن گرد آمدند. سپس آسوده در پناه ارشاک شاه زندگی کردند. کشور نیز میان دو پادشاه قرار و سامان یافت و آرام گرفت. پس از آن همگان در جای خویش از آسایش برخوردار گشتند» (بوزند، ۱۳۸۳: ۱۰۳). بخش‌های پایانی کتاب در حقیقت بیشتر جنبه اعتقادی و به معجزات قدیسان اختصاص دارد.

با این حال، در کتاب بی دقتی و مسامحات تاریخی نیز به چشم می خورد مثلاً بوزند در باب جنگ ایران و روم بر سر ارمنستان، در دوره شاپور دوم، شاهنشاه ایران را نرسی معرفی و

امپراتور وقت روم را نیز کس دیگری ذکر می‌کند. به هر حال، چنین مسامحتی از ارزش کار او نمی‌کاهد.

یقیشه

پادشاهان ساسانی از جمله یزدگرد دوم (۴۵۹-۴۳۸ م.) در یافته بودند که تا اختلافات مذهبی در بین است تصاحب ارمنستان امری ناپایدار و بی ثبات خواهد بود. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۰۵). وحدت دینی در ارمنستان پایه و اساس استقلال این کشور از ایران و بعد از آن از روم به حساب می‌آمد. با افزایش مطالبات ساسانیان ارمنه در تنگای اقتصادی بیشتری قرار می‌گرفتند و برای رسیدن به استقلال بیشتر انگیزه می‌یافتند.

یزدگرد دوم با تحریک اطرافیان، مخصوصاً موبدان، در پی آن شد که به طور کلی مسیحیت را در ارمنستان از میان بردارد و بار دیگر دین زرتشت را جایگزین آن سازد. وی طی نامه‌ای به مردم ارمنستان دستور داد که از دین مسیحیت دست بردارند و به‌این مغان وارد شوند. (محمود آبادی، ۱۳۸۲: ۳۷۰) این فرمان احساسات مذهبی ارمنه را جریحه دار و اتحادشان را بیش از پیش تقویت کرد، سبب آغاز جنگهای رهایی بخش برای حفظ استقلال کشور و دین مسیحی از سوی ارمنیان شد. وارتان مامیکونی در جنگ آواریر (۴۵۱ م.) فرماندهی نیروهای ارمنی را در مقابل سپاه ساسانی بر عهده داشت.

یقیشه^۱ مورخ نامی قرن پنجم میلادی به بازگویی جنگ‌های استقلال طلبانه وارتان مامیکونی در نیمه دوم قرن پنجم می‌پردازد. این کتاب به دستور یک روحانی به نام دیویت از خاندان مامیکونیان نوشته شده است و محتوای آن شامل بازه زمانی ۴۵۱-۴۲۸ م. است که از پایان حکومت آرشاکونی در ارمنستان آغاز و با پرداختن به جنگ آواریر در ۴۵۱ م. خاتمه می‌یابد. (Hacikyan, 2000: 240) سبک نگارش تاریخ وارتان و جنگهای ارمنستان را می‌توان ترکیبی از واقعیت‌های تاریخی و اشعار حماسی به شمار آورد که با روحیه میهن پرستی و شور مذهبی نگارش شده است. (Ibid, 2000: 242)

^۱. Yeghishe

یقیشه وارتان مامیکونی را نه تنها به عنوان یک جنگجوی ملی ارج و قرب بسیار بالایی بخشیده بلکه او را به عنوان یک جنگجوی مسیحی که از دین و آیین مسیحیت دفاع کرده به اندازه‌ی یک قدیس درخور ستایش می‌داند و تا جایی که می‌شد او را بزرگ جلوه داده و شجاعت‌ها وی در جنگ و تدابیر و تاکتیک‌های جنگی وی را بسیار ستوده است. از این رو نمی‌توان به آن به عنوان یک نویسنده بی‌طرف نگریست و محقق باید به یک سونگری‌های نویسنده همواره توجه داشته باشد.

با این حال کتاب علاوه بر اطلاعاتی که نویسنده درباره‌ی وضعیت داخلی ارمنستان در طی سالهای مورد بحث ارائه می‌دهد شامل اطلاعاتی نظیر اوضاع سیاسی ایران، نظریه‌ها و عقاید مذهبی ایرانیان به ویژه مذهب زرتشتی، شیوه زندگی ایرانیان باستان، جغرافیای باستان، جغرافیای ایران و دیگر مسائل اجتماعی درباره‌ی ایران آن زمان نیز است. این اثر بیش از چهل بار به زبانهای مختلف ترجمه شده و منبع پرارزش از نظر مورخان دیگر کشورهاست. (آیوایان، ۱۳۷۱: ۲۷) همچنین شرح و توصیف یقیشه درباره‌ی سپاه ساسانی و ساختار آن و توضیحاتی که درباره‌ی سازمان سیاسی سلسله ساسانی می‌دهد از مهمترین نکات قابل توجه کتاب است.

لازار فارپی

جنگ‌های آزادی بخشی که در اثر سیاست سخت‌گیری دینی ساسانیان در ارمنستان آغاز شده بود شور و هیجان مورخان را برای ثبت و ضبط این وقایع تاریخی و ملی برانگیخته بود. پس از جنگ آوارایر بر علیه ساسانیان که سعی در جذب سیاسی، فرهنگی و مذهب ارمنستان را داشتند، ارمنیان با آگاهی از گرفتاری ساسانیان در مرزهای شرقی مبارزات خود را به رهبری واهان مامیکونی برادرزاده قهرمان جنگ آوارایر از سر گرفتند. سرانجام مبارزات ملی ارامنه به صلح میان ایران و ارمنستان در دوره بلاش ساسانی (۴۸۸-۴۸۳ م.) انجامید. بر اساس آن صلح خودمختاری ارمنستان مسیحی به رسمیت شناخته شد و واهان مامیکونی به سمت مرزبان ارمنستان منصوب شد و آزادی دین مسیح و خاموش شدن آتشکده‌های زرتشتی در ارمنستان توسط بلاش پذیرفته شد. (محمود آبادی، ۱۳۸۴: ۳۷۴)

لازار فارپی^۱ یا به تلفظ ارمنی آن غازار پارپتسی^۲ از روحانیون و نجبای ارمنی سده پنجم و ششم میلادی بود. مورخی عالی مقام در دستگاه حکومتی ارمنستان که در سال ۵۰۴ میلادی نگارش «تاریخ ارمنیان» خود که می‌توان آخرین کتاب دوره کلاسیک تاریخ‌نویسی ارمنی دانست، را به پایان رسانده و در آن کتاب وقایع سال‌های ۳۸۸ تا ۴۸۵ میلادی را به رشته تحریر درآورده است. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۵۲-۵۱)

لازار فارپی که خود هم در این جنگ استقلال‌طلبانه واهان مامیکونی نقش داشت، توسط واهان به عنوان رهبر کلیسای جامع اچمیاتزین تعیین شد. لازار اصلاحات فراوانی در آن اعمال نمود و به خوبی آن را رهبری نمود ولی تهمت و آزارهای دشمنانش سرانجام وی را وادار به ترک کشور نمود. (Hacikyaan, 2000: 214) سرانجام لازار فارپی به دعوت واهان مامیکونی به ارمنستان بازگشت و مامور نگارش تاریخ ارمنستان شد. او «تاریخ ارمنیان» را از زمان اولین تجزیه ارمنستان (۳۸۸ م.) تا جنگ واهان مامیکونی (۴۸۵ م.) با بهره‌گیری از آثار آگاتانژ، کوریون، پاستوس بوزند، یغیشه و... در سه کتاب به نگارش درآورد. (Ibid, 2000: 214)

اثر اول به شرح زجر و آزارهای وارده از طرف ساسانیان در نیمه شرقی ارمنستان می‌پردازد که باعث بروز فساد اقتصادی و سیاسی کشور گردید، این کتاب با سقوط سلسله ارمنی آرشاکونی در سال ۴۲۸ م. و مرگ ساهاک و مسروپ به پایان می‌رسد.

اثر دوم وی اختصاص به جنگ واردان مامیکونی و حوادث بعد و قبل از آن دارد. همانطور که پیش از این گفته شد یقیشه نیز به طور ویژه و متعصبانه به این رویداد پرداخته اما لازار فارپی در نگارش تاریخ خود سعی در رعایت بی‌طرفی داشته و محققان در مقایسه تاریخ ارمنیان لازار فارپی و تاریخ وارتان و جنگ‌های ارمنستان یقیشه، تاریخ‌نگاری لازار را بیشتر واقع‌گرا و قابل اطمینان می‌دانند (Hacikyaan, 2000: 240). کتاب سوم هم در اصل گزارش جنگ وارهان در خلال سالهای ۴۸۱ تا ۴۸۴ میلادی می‌باشد. سرانجام جشنهای ملی پیروزیهای سیاسی و نظامی و گماشته شدن مامیکیان به عنوان مرزبان ارمنستان پایان بخش کتاب می‌باشد.

۱.. Lazarus of Pharpi

۲.. Ghazar parpetsi

لازار در کتاب خود اشاراتی نیز به حوادث ایران در فاصله سال‌های ۳۸۸-۴۸۵ م. دارد و از این نظر منبع خوبی برای شناسایی تاریخ ایران در دوره تاریخ میانی ساسانیان است. از گزارش‌های او می‌توان به روابط ایران و ارمنستان و خصوصیات جوامع مذهبی دو کشور و قدرت مغان در جامعه ساسانی پی برد.

ارائه برخی اسناد مهم دیوانی، همچون محتوای نامه‌هایی که پادشاهان ساسانی به حکام ارمنستان نوشته‌اند و بررسی نکات سیاسی نهفته در این اسناد که منجر به پیامدها و اقدامات بعدی پادشاهان ساسانی شده از جمله مهمترین نکاتی است که لازار فارپی به آن پرداخته است. او مهم‌ترین مورخی است که فرمان مهر نرسی به نام یزدگرد دوم مبنی بر گرویدن مسیحیان به دیانت زرتشتی و ترک مسیحیت به نجبای ارمنستان را پس از نیم قرن در کتاب خود نقل کرده است. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۰۶)

لازار فارپی همچنین در ادامه گزارشی از اجلاس اسقف‌های مسیحی و روحانیون ارمنی بدست می‌دهد که در باب نامه مهر نرسی به اظهار نظر پرداخته‌اند و درصدد تنظیم جوابیه‌ای تاریخی برای شاهنشاهی ایران می‌باشند. لازار نام حضار آن مجلس را ذکر کرده و معلوم می‌شود ماخذ معتبری در دست داشته است. شرح جوابیه کلیسای ارمنی در اثر او نقل شده است. (کریستن سن، ۱۳۷۸: ۲۰۶)

موسی خورنی^۱

یکی از نام‌های برجسته عصر طلایی تاریخ نگاری ارمنستان نام موسی خورنی (۴۹۰ - ۴۱۰ م.) نویسنده تاریخ ارمنیان است که بر تارک تاریخ ادبیات ارمنستان می‌درخشد. موسی خورنی دانش آموخته مراکز علمی اسکندریه بود و پس از بازگشت مورد بی‌مهری روحانیون کلیسا و شاهزادگان ارمنی واقع شد اما پس از مدت زمان طولانی سرانجام شاهزاده ساهاگ باگراتونی از او درخواست نمود تاریخ ارمنیان بویژه تاریخ پادشاهان و خانواده‌های اشرافی ارمنی را به رشته تحریر درآورد. خورنی در حدود ۴۸۳-۴۸۵ م. نگارش تاریخ خود را به پایان برد. (Hacikyan, 2000: 307) خورناتسی در یادداشتهای خود در مورد دانشهایی که در

^۱.. Movses Khorenatsi

اسکندریه آموخته، سخنی به میان نیاورده اما با توجه به آثار او می‌توان با قاطعیت بیان کرد که او علاوه بر زبان یونانی و دستور زبان آن و شعر با علومی چون اسطوره‌شناسی، فن خطابه، فلسفه، حکمت، علوم دقیقه و تاریخنگاری نیز آشنا شده است. (مانوکیان، ۱۳۹۱: ۱۳۰)

خورنی از محدود نویسندگانی است که در تاریخ خود به منابع مورد استفاده اشاره می‌کند و به نقد آن می‌پردازد. وی در اثر خود بیشتر از منابع یونانی بهره برده است و از نظر او همه ملت‌ها به ویژه پارسیان و کلدانیان کارهای متعددی مربوط به ارمنیان انجام داده‌اند ولی از آنجا که یونانیان کتب و تواریخ همه ملت‌ها را به یونانی ترجمه می‌کردند و از این لحاظ از دیگر ملل بسیار پیشی داشتند. با توجه به شیوه تاریخ‌نویسی و نحوه پرداخت به موضوعات تاریخی نمی‌توان او را یک وقایع‌نگار صرف به شمار آورد زیرا تنها به توصیف رخدادها نمی‌پردازد بلکه تفسیر رویدادها را مد نظر داشته و به تحلیل و ارزیابی شخصیت‌های تاریخی و وقایع نیز می‌پردازد. نویسنده بر خلاف دیگر مورخان کلاسیک هم عصر خود به تاریخ‌نویسی عمومی گرایش یافته و مطالب کتاب را از سپیده دم تاریخ ارمنستان آمیخته با افسانه و اساطیر آغاز و تا عصر خود (۴۸۳-۵ م.) ادامه می‌دهد.

تاریخ ارمنیان موسی خورنی به ترتیب به سه کتاب تقسیم می‌شود:

۱) نسب‌نامه بزرگان ارمن

۲) دوره میانه تاریخ نیاکان ما

۳) پایان تاریخ میهن ما

اما علاوه بر تقسیم‌بندی مولف می‌توان کتاب را از نظر محتوایی به دو بخش تقسیم کرد بخش اول که حاصل هنر اسطوره‌شناسی موسی خورنی است و شامل تاریخ کهن ارمنستان با رویکردی بسیار ملی‌گرایانه است که با استفاده از افسانه‌ها و اسطوره‌ها به بزرگنمایی افراطی و در واقع به تاریخ‌سازی برای ارمنیان پرداخته است. نویسنده در کنار حماسه‌های ملت ارمنی به داستانهای اساطیری و افسانه‌های ملل همجوار مانند ایرانیان نیز توجه می‌کند و با مقایسه اساطیر ملل دیگر به تحلیل آن‌ها می‌پردازد مانند گزارش اژدهاک ماردوش (بیوراسب) که همه افسانه‌های پارسی مربوط به او را همچون خدمتگذاری دیوان برای وی، بوسه زدن بر شانه‌ها و زاده شدن اژدهایان از آنجا و سپس بستن او با سیم‌های مسی به دست فریدون و بردن وی به

کوهی موسوم به دمباوند و غیره را دروغ و بی معنی می‌داند؛ در گزارش او از افسانه رستم و باورهای ایرانیان پیرامون قدرت و نیروی او به تحلیل باورهای مردم در مورد قدرت رستم و هرکول و ... می‌پردازد که نمی‌تواند صحت تاریخی داشته باشد. (خورناسی، ۱۹۸۴: ۹۸-۹۷)

بخش دوم کتاب که شامل تاریخ ارمنستان با رویکردی مذهبی است و به واقعیت‌های تاریخی نزدیکتر است بطوری که خورنی در مواجهه با منابع میان توصیفات افسانه وار و داستان گونه با رویدادهای حقیقی تفاوت قائل است.

تاریخ ارمنیان موسی خورنی یکی از مهمترین منابع تاریخ ارمنستان و همچنین درباره تاریخ سرزمینها و تمدنهای همجوار نیز منبعی مهم محسوب می‌شود که برخی از اطلاعات موجود در آن برای نخستین بار و با دقت و ظرافت فراوان نگاشته شده است. بنابر باور شماری از محققان غربی این کتاب در ردیف یکی از برجسته‌ترین تألیفات تاریخی آن دوره بوده و حتی از این لحاظ با آثار بسیاری از مورخان آن زمان برابری می‌کند. به همین جهت او را هرودوت ملت ارمنی نیز نامیده‌اند. (پاسدراجیان، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

در رابطه با تاریخ ایران باستان نیز این کتاب از ارزش بسیاری زیادی برخوردار است. مطالب جالبی از دوران کهن ایران از عصر ماد و هخامنشی یافت می‌شود همچنین تاریخ دوره اشکانی را موسی خورنی با توجه به اینکه یکی از بزرگترین سلسله‌های ارمنیان شاخه‌ای از دودمان اشکانیان ایران می‌باشد، تا حدودی بدون غرض‌ورزی نگاشته و به گونه‌ای حتی سعی در بزرگنمایی و تجلیل آنان نیز داشته است اما با روی کار آمدن ساسانیان رویکرد نویسنده تغییر می‌یابد و با کمی اعتدال بیشتر همگام با رویکرد دینی و ضد ساسانی دیگر مورخان کلاسیک عصر طلایی ارمنستان می‌شود.

نویسنده در بخش «دوره میانه تاریخ نیاکان ما» پس از شرح مختصری درباره اسکندر مقدونی و سلوکیان مطالب جالب توجهی درباره چگونگی حاکمیت اشکانیان بر ارمنستان نوشته و سرانجام مانند آگاتانژ به سالهای نخستین حکومت ساسانیان می‌پردازد. نویسنده برای بازگویی تاریخ این بخش از منابع موجود پارسی، آشوری و یونانی بهره فراوانی برده است. او تاریخ ساسانیان را با ذکر جنگ‌های اردوان پنجم و اردشیر و پایان بخشیدن به حکومت اشکانیان آغاز می‌کند و به خاندان‌های پهلویی متحد ساسانی مانند سورن پهلوی اشاره می‌کند و سرانجام با

گزارش جنگ‌های پادشاهان اشکانی ارمنستان و چگونگی فرآیند پذیرش مسیحیت در ارمنستان به پایان می‌رساند. شرح جنگ‌های ایران با روم و جنگ‌های استقلال طلبانه ارمنیان از ایران در دوره یزدگرد دوم در بخش سوم کتاب لحاظ شده است. با مطالعه مطالب کتاب با مناصب و وظایف صاحب منصبان اشکانی ارمنستان می‌توان آشنا شد که دارای ریشه‌های مشترک با مناصب ایرانی بودند مانند هزار بد، بیوربد، اسب بد و

اشتباهات فاحشی در کتاب نیز به چشم می‌خورد مثلاً نویسنده فتح ارمنستان را بدست اردشیر ساسانی می‌داند و او را هم عصر والرین معرفی می‌کند. (خورنی، ۱۳۸۰: ۱۵۶) اما منابع تاریخی اذعان دارند که ارمنستان در دوره شاپور (۲۷۲-۲۴۱ م.) به قلمرو شاهنشاهی ساسانی ضمیمه شد. یا در جای دیگر به بزرگ‌نمایی افراطی خسرو پادشاه آرشاکونی ارمنستان در برابر اردشیر ساسانی می‌پردازد که «خسرو پس از ناامید شدن از کمک امپراتور روم، با همراه کردن اقوام شمالی توانست بازهم بر اردشیر پیروز شو و این بار او را تا هند تعقیب کند.» (خورنی، ۱۳۸۰: ۱۵۴) اما اشتباهاتی از این دست با توجه به دقت نویسنده و احتیاط بسیار او در استفاده از منابع و تمیز میان داستان و حقیقت قابل چشم‌پوشی است و چیزی از ارزش کار او نمی‌کاهد. ارائه اسناد مهم دیوانی مانند اشاره به اسناد نامه‌هایی که شاپور به سران خاندان‌های مهم ارمنی فرستاده و نامه مهرنرسی به نام یزدگرد دوم برای مردم ارمنستان از جمله مهمترین نکاتی است که خورناتسی در کتاب سوم خود در خصوص تاریخ ایران به آن پرداخته است. کتاب ارزشمند دیگر موسی خورنی در زمینه جغرافیا است که مطالب قابل توجهی درباره موقعیت اصلی مرزهای ایالات دارد و همچنین وضعیت بسیاری از محلها و بخشهای مهم ایران را روشن می‌کند که برای پژوهش‌های جغرافیای تاریخی ایران بسیار معتبر است. یوزف مارکوارت دانشمند آلمانی تفسیرهای تاریخی و توضیحات جغرافیایی مفصلی به متن اصلی افزوده و ترجمه فارسی آن در ایران با عنوان «ایران‌شهر، بر مبنای جغرافیای موسی خورنی» در دسترس است.

در این کتاب سرزمین پارس به چهار بخش با عنوان کوست تقسیم شده و برای هر بخش استان‌هایی مشخص شده است. اگرچه متن جغرافیایی خورناتسی به دلیل عدم دسترسی او به اسناد و اطلاعات جغرافیایی جامع درباره ایران با کاستی‌هایی همراه است و امکان شناسایی

کامل سرزمین ایران را بر مبنای متون او برای محققان فراهم نمی‌سازد اما ذکر همین بخش از اسامی مکانها و استانها از سوی او اطلاعات جالب توجهی درباره جغرافیای ایران ارائه می‌کند از جمله اینکه فهرست استانهای خراسان به طور شگفت‌انگیزی با گزارشهای برخی جهانگردان چینی و جغرافیدانان عرب مطابقت دارد و اطلاعات مفیدی را در مورد برخی اماکن دربرمی‌گیرد. (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۲۲-۲۷) در ضمن، او در تنظیم فهرست مربوط به استانهای کوست نیمروز دقت بسیاری به کار برده که در مطالعات جغرافیای تاریخی از ارزش خاصی برخوردار است. در پاره‌ای موارد نیز برخی اسامی وجود دارد که نخستین بار در این متن و به دست خورنی به ثبت رسیده است. (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۶۱)

اسقف سبئوس

سبئوس برجسته‌ترین مورخ ارمنی سده هفتم میلادی است. پس از ظهور گرایش تاریخ نویسی عمومی در اواخر قرن پنجم می‌توان بعد از پدر تاریخ ارمنستان «موسی خورنی»، اسقف سبئوس در قرن هفتم را نماینده برجسته این مکتب به حساب آورد. از آنجایی که رویدادهای حساس و سرنوشت ساز قرن هفتم میلادی به علت نابسامانی‌های آن قرن به هیچ زبانی نوشته نشده می‌توان گفت کتاب شناسی ارمنی در عرصه تاریخ عمومی سده ششم و هفتم در جهان به پاس تاریخنگاری سبئوس مقام والایی به دست آورده است.

از اسقف سبئوس کتاب ارزشمندی به نام «تاریخ هراکل» یا «تاریخ هراکلیوس» بر جای مانده است. او تاریخ خود را از دوران افسانه‌ای تاریخ ارمنستان آغاز کرده و شرح رویدادها را تا چیرگی اعراب مسلمان بر ارمنستان (۶۶۱ م.) ادامه داده است. کتاب دارای دو بخش است که بخش اول شامل تاریخ اسطوره‌ای ارمنستان و فهرستی از شاهان ارمنستان، شاهنشاهان ایران و قیصران روم است که علیرغم اشتباهاتی که در آن مشاهده می‌شود با این حال ارزش تاریخی دارد؛ بخش دوم شامل سی و هشت فصل است که با اشاره‌هایی کوتاه به رویدادهای دوران پیروز ساسانی (۴۵۷-۴۸۴ م) و قباد (از ۴۸۸-۵۳۱ م) آغاز شده و تا حمله عرب‌ها، بر افتادن شاهنشاهی ساسانی و آغاز خلافت معاویه ادامه می‌یابد. در حقیقت سبئوس در بخش دوم تاریخ ارمنستان را از جایی که لازار فارابی در تاریخ ارمنیان خود خاتمه بخشیده آغاز نموده و آن را

امتداد تاریخ ارمنیان لازار فارابی می‌توان دانست. منابع اصلی کتاب عبارت‌اند از: کتاب مقدس، نوشته‌های پاستوس بوزند، آگاتانگوس، لازار فارابی، یغیشه و شمار بسیاری اسناد دیوانی و نامه و... (ترغوندیان، بی تا: ۱۲۶)

آنچه ارزش این کتاب را برای مطالعات ساسانی دوچندان می‌کند همزمانی نویسنده با وقایع قرن هفتم میلادی است، دوره‌ای حساس و سرنوشت ساز که به علت نابسامانی‌هایی حمله مسلمانان به ایران و بیزانس، تاریخ نگاری در این سرزمین‌ها دچار وقفه و رکود شد و از آنجا که مورخان عرب نیز برای ثبت تاریخ فتوح هنوز قلم بدست نگرفته بودند کتاب سبئوس از ارزش بی نظیری برخوردار است. سبئوس گذشته از شرح جنگ‌ها و شرایط عهدنامه‌ها به مسایل سیاسی نیز توجه داشته است. در این کتاب جریان جنگ بین ایران و روم شرقی مفصل تر از آن است که در آثار مولفان بعدی ایرانی و عرب ذکر شده است. نظر به اینکه نویسنده خود معاصر وقایع آن زمان بوده به همین مناسبت می‌توان به مندرجات این کتاب اعتماد زیاد کرد. (بیات، ۱۳۸۳: ۶۸) به نظر می‌رسد مورخ برخی از رویدادهای ثبت شده را به چشم خود مشاهده نموده بطوری که از اشارات کتاب بر می‌آید که سبئوس در دربار خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰ م.) با گروه نمایندگان چینی که به آنجا آمده بودند دیدار کرده است. (ترغوندیان، بی تا: ۱۲۵)

سبئوس اشارات بسیار مهمی به تاریخ ساسانی در فصل دوم دارد که در کمتر منابع دیگری دیده می‌شود از جمله اشاره‌ای کوتاه به پادشاهی خسرو انوشیروان و جنگ او با رومیان و مسائل جانشینی او، نکات مهمی درباره جنگ بهرام چوبین و بازستانی تاج و تخت خسرو دوم با کمک امپراتور روم شرقی موریس؛ همچنین به شورش فوکاس علیه موریس در تاریخ بیزانس می‌پردازد که با کمک خسرو دوباره تاج و تخت امپراتور به تئودوز پسر موریس بازگشت. در ادامه به تفصیل به آغاز دوباره جنگ‌های ایران و روم در دوره خسرو پرویز می‌پردازد. همچنین در فصول آخر کتاب مطالب سودمندی درباره ارمنستان، ایران و پیشروی عرب‌ها دارد و چنان که گفته شد شرح رویدادها تا سال ۶۶۱ م ادامه می‌یابد.

در هر سطر و صفحه تاریخ سبئوس می‌توان به آگاهی‌های گران بهایی درباره تاریخ ایران و اقوام همسایه دست یافت و تصویری جامع و فراگیر از رویدادهای آن روزگار به دست آورد.

هرچند در برخی قسمت‌ها اشتباهات تاریخی در آن وجود دارد که یا به هنگام نسخه نویسی و رونویسی از متن اصلی ایجاد شده و یا بوسیله نویسنده اعمال شده است اما این اشتباهات را می‌توان با مقایسه با اطلاعات دیگر در منابع فارسی و عربی جبران نمود. با این حال این کتاب از منابع دست اول و بسیار نادر قرن ششم میلادی به شمار می‌آید که بسیاری از محققان و ایران شناسان بزرگ مانند کریستن سن و مارکوارت و ... به موثق بودن و بی نظیر بودن آن اذعان داشته‌اند. این کتاب در سال ۱۸۷۹ به روسی در سن پترزبورگ به نام «تاریخ هراکل» به تصحیح کروپه پاتکانیان به چاپ رسیده (سبئوس، ۱۸۷۹: پیشگفتار) و همچنین در سال ۱۹۳۹ استپان مالخاسیان آن را با نام «تاریخ هراکلیوس» با تصحیح و پیشگفتار در ایراوان به چاپ رسانید. (سبئوس، ۱۹۳۹: پیشگفتار) یک نسخه ترجمه انگلیسی آن از روبرت بدروسیان نیز در دسترس است.

نتیجه:

تاریخ ایران باستان به علت نداشتن منابع دست اول ایرانی همواره در رنج بوده است و برای روشن شدن تاریخ کهن این مرز و بوم همواره محققان ایرانی مجبور هستند در میان متون تاریخی دیگر ملل به جستجو تحقیق بپردازند. خوشبختانه مورخان ملت همجوار ارمنی که مشترکات تاریخی و فرهنگی بسیاری با ایران داشته‌اند و از دیرباز نقش مهمی را در روشنگری تاریخ مشرق زمین ایفا کردند. در قرن پنجم میلادی تاریخ نگاری ارمنستان پس از ابداع حروف الفبا بوسیله مسروپ ماشتوتس از سنت شفاهی پای به مرحله مکتوب شدن گذاشت، از آنجایی که این اتفاق همزمان با ترویج آیین مسیحیت در ارمنستان بود، تاریخ نگاری مدون ارمنی با این رویکرد جدید دینی آغاز به نگارش تاریخ ارمنستان و ملل همجوار آن کرد. از این رو زیرسایه ابداع الفبا و خط ارمنی و رشد و ترقی کتابت و زبان نوشتاری متفکران و مورخان پرآوازه‌ای پا به عرصه ادبیات ارمنستان نهادند و با خلاقیت‌های فرهنگی معنوی خود سده پنجم تاریخ ملت ارمنی را به سده طلایی مشهور کردند.

از آنجایی که ارمنستان و ایران در دوره ساسانی مناسبات سیاسی بسیاری با یکدیگر داشتند و در واقع سرنوشت ارمنستان همواره با سیاست‌های شاهان ساسانی گره خورده بود، مورخان

ارمنی در کتاب‌های خود که بیشتر با عنوان تاریخ ارمنیان نوشته می‌شد به تاریخ ایران در دوره ساسانی نیز پرداخته‌اند و اطلاعات بی‌نظیری را در مورد تاریخ ایران بدست می‌دهند به طوری که در برخی از برهه‌ها که قلم مورخان دیگر ملل از نوشتن تاریخ باز مانده بود این مورخان ارمنی بودند که نقش روشنگری تاریخ را برعهده گرفتند مانند تاریخنگاری سبئوس در قرن هفتم میلادی در دوره‌ای که هیچ یک از نویسندگان سده هفتم میلادی چه به زبان پهلوی و چه به زبان‌های یونانی، لاتینی، آشوری، عربی و غیره چیزی از رویدادهای تاریخی این سده ننوشته‌اند، سبئوس به بازتاب رویدادهای این قرن در اثر بی‌نظیر خود پرداخت و از این دیدگاه تاریخ سبئوس در علم تاریخ نگاری جهان اثری استثنایی به شمار می‌آید. تنها نکته بسیار مهمی که محققان همواره بایستی در مطالعه خود به آن توجه داشته باشند تغییر رویکرد ملی گرایانه مورخان ارمنی به رویکرد دینی در مواجهه با تاریخ ساسانی است. تا تحت تاثیر برخی غرض ورزی‌های دینی این مورخان قرار نگیرند.

منابع

۱. آگاتانگفوس (۱۳۸۰)، تاریخ ارمنیان، ترجمه گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
۲. آیوازیان، ماریا (۱۳۷۱)، «تاریخچه ایرانشناسی و تحول آن در کشور جمهوری ارمنستان»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسی، تهران: بنیاد ایرانشناسی.
۳. بوزند، پاستوس (۱۳۸۳)، تاریخ ارمنیان، ترجمه گارون سارکسیان، تهران: نائیری.
۴. بیات، عزیز الهم (۱۳۸۳)، شناسایی منابع و مآخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه، تهران: امیرکبیر.
۵. پاسدرماجیان، هراند (۱۳۷۷)، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمد قاضی، تهران: زرین.
۶. ترغوندیان، آرام (بی تا)، نامداران فرهنگ ارمنی از سده ۵ تا ۱۸ م، بی جا: بی نا.
۷. جعفری دهقی، محمود (۱۳۸۲)، بازشناسی منابع و مآخذ تاریخ ایران باستان، تهران: سمت.
۸. خورناتسی، موسی (۱۳۸۰)، تاریخ ارمنیان، ترجمه ادیک باغداساریان، تهران: مولف.
۹. دریایی، تورج (۱۳۸۳)، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
۱۰. کریستین سن، آرتور (۱۳۷۸) ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.

۱۱. کقبی، ازنیك (۱۳۸۰)، رساله‌ی تکذیب و رد فرق دینی، ترجمه نعلبندیان، پردازنده‌ی دوباره پرویز رجبی کتاب هزاره‌های گمشده ج ۱، تهران: توس.
۱۲. مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳)، ایرانشهر، بر مبنای جغرافیای موسی خورنی. ترجمه‌ی مریم میراحمدی، تهران: اطلاعات.
۱۳. مانوکیان، آرپی (۱۳۹۱)، "سرزمین و تاریخ پارس به روایت مؤسس خورناتسی"، مجله پیمان، شماره ۶۰. سال بیستم.
۱۴. محمود آبادی، سید اصغر (۱۳۸۲)، امپراتوری ساسانیان در گزارش‌های تاریخی اسلامی و غربی، اصفهان: افسر.
۱۵. موسس خورناتسی (موسی خورنی) (۱۹۸۴)، تاریخ ارمنستان، ترجمه مقدمه و حواشی گنورگی نعلبندیان، ایروان: اداره نشریات دانشگاه دولتی ایروان.
۱۶. سبتوس (۱۸۷۹)، تاریخ هراکل، به تصحیح کرویپه پاتکانیان، سن پترزبورگ: [بی نا].
۱۷. سبتوس (۱۹۳۹)، تاریخ هراکلیوس، با تصحیح و پیشگفتار استپان مالخاسیان، ایروان: [بی نا].
۱۸. نوری زاده، احمد (۱۳۷۶)، تاریخ فرهنگ ارمنستان، تهران: چشمه.
- R. W. Thomson (1984), "Agathangelos," *Encyclopædia Iranica*, I/6, pp. 607-608.
- Hacikyan, Agop Jack, Gabriel Basmajian, Nourhan Ouzounian and Edward S. Franchuk (2000), *The Heritage of Armenian Literature: The Heritage of Armenian Literature: From the Oral Tradition to the Golden Age*, vol. 1. Detroit: Wayne State University.